



«ویل دورانت» می‌گوید: «قلت اعضای خانواده در تاریخ یونان و روم نقش داشته است. این نکته جالب توجه است که ژولیوس قيصر (۵۹ پیش از میلاد) به رومیایی که فرزندان بسیاری داشتند جایزه می‌داد و زنان بی‌فرزند را از سوار شدن بر تخت روان و استفاده از زیورهای گرانبها منع کرده بود.»^(۱) اساسا همین حقیقت تاریخی بود که موجب شده بود در نیمه دوم قرن بیستم، شرق و غرب تفکر تنظیم خانواده را محکوم کنند. «خروشِجف»، رهبر اتحاد جماهیر شوروی در آن سال‌ها می‌گفت: «فکر محدود کردن تولد و تناسل، یک تئوری آدم‌خواری است که ایدئولوژی بورژوازی(سرمایه‌داری) آن را اختراع کرده است.» اما به راستی چه رخ داد که غرب، برای جهان توسعه‌متحوس تنظیم خانواده را پیچید. برای فهم این قضیه باید به واقعه اجتماعی بزرگی که در اوایل نیمه دوم قرن بیستم از آمریکا شروع شد و مانند توفانی مخرب تمام کشورهای صنعتی را درنوردیده، اشاره کرد و آن چیزی نیست مگر فاجعه انقلاب جنسی. پیش از وقوع این رویداد اجتماعی، در جامعه آمریکا خبری از فساد و بی‌بندوباری‌های سازمان‌یافته و گسترده نبود و وضع خانواده آمریکایی در خیلی از جهات شبیه به یک خانواده شرقی بود. یکی از نویسندگان آمریکایی، جامعه پیش از انقلاب جنسی در آمریکا را اینگونه توصیف می‌کند: «سال ۱۹۵۷، نود درصد مردم آمریکا اعتقاد داشتند فردی که از ازدواج سر باز می‌زند، با مریض و روان‌نچور یا بی‌بند و بار است. بیش از نیمی از زنان آمریکا در اواسط ۲۰ سالگی متأهل بودند و مردم به حال زانی که تا ۲۵ سالگی ازدواج نکرده بودند، تأسف می‌خوردند. در سالی که رئیس‌جمهوری، جان اف کندی اعلام کرد آمریکا انسان را به کره ماه خواهد فرستاد (۱۹۶۲)، بیشتر زنان جوان آمریکا آرزو داشتند در ۲۱ سالگی ازدواج کنند، از کار انصراف دهند و ۴ فرزند داشته باشند.» ماجرا از این قرار است که در حوالی سال ۱۹۴۸، بنیاد راکفلر از تحقیقات یک حشره‌شناس آمریکایی به نام «آلفرد کینزی» که بعدها پدر انقلاب جنسی نامیده شد، حمایت کرد. کینزی که خود یک بیمار جنسی بود، از طریق نگارش ۲ کتاب توانست زمینه تثوریک فروپاشی خانواده آمریکایی را فراهم کند. تحقیقات وی مقدمه تغییر قوانین مرتبط با جرائم جنسی را فراهم آورد و پایای شد برای آموزش جنسی کودکان و جوانان غربی. وی در این دو کتاب از طریق آمار‌سازی‌های عجیب، بی‌اخلاقی‌ها و بیماری‌های جنسی از جمله خیانت و هنجرسنگرایی را شایع و عادی جلوه داد. کینزی در یکی از سخنرانی‌هایش که به پشتیبانی فدراسیون تنظیم خانواده (Planned Parenthood) برگزار شده بود، مدعی شد ۹۵ درصد زنان باردار، مجرد هستند!

البته در مسیر نابودی خانواده در آمریکا ۲ تسهیلگر عمده نیز به کمک برخی سرمایه‌داران و دانشمندان غیرمتعهد آمدند؛ فعالیت جریان‌های فمینیستی و هم‌چنین اختراع و تولید انبوه قرص‌های ممانعت از بارداری. بنابه تحلیل جامعه‌شناسان غربی، این قرص‌ها کمک کرد زنان آمریکایی بتوانند بدون اندیشیدن به عواقب رفتارهای جنسی خود از جمله ابتلا به بارداری غیرمشروع، به رفتارهای جنسی غیراخلاقی بپردازند. در نهایت با تدارک تمهیدات لازم توسط سرمایه‌داران مطرح، انقلاب جنسی در آمریکا به ثمر رسید و این جامعه دچار دگرگونی‌های اساسی در بسیاری از ارزش‌ها و رفتارهای اجتماعی شد. در ذیل گوشه‌ای از عواقب وقوع انقلاب جنسی را که مورد اعتراف ۳ تن از کارشناسان غربی است برمی‌شماریم.

– «زنان و مردان آمریکایی به تدریج، ازدواج را به تأخیر انداختند، فرزندان کمتری به دنیا آوردند و آمار طلاق بیشتر شد. در همان سالی که قرص ضدبارداری وارد بازار شد، بیشتر مردم آمریکا در خانواده‌های هسته‌ای زندگی می‌کردند، زوج‌های متأهل به‌طور متوسط، ۴ فرزند داشتند و مدارن در خانه می‌ماندند. سال ۲۰۰۰ (یک نسل پس از وقوع انقلاب جنسی)،

جالبی با اشاره به افت نرخ باروری در آمریکا که اقتصاد این کشور را تهدید می‌کند، نوشت: «دلیلی که ما نیاز به نوزدان بیشتری داریم، برقرار کردن تعادل در سالخورده شدن جمعیت است. به عنوان یک حکایت هشداردهنده خوب، به ژاپن برگردید: سال ۲۰۱۴ در ژاپن، پوشک بزرگسالان بیشتر از پوشک بچه فروش داشتا میانگین سنن ژاپنی‌ها ۴۵ سال است که سالخورده شدن جمعیت این کشور را نشان می‌دهد. شاید این کشور نیز به صورتی غیرمنتظره، به رکود اقتصادی بازگردد. پوشک‌های بچه، یک شاخص مهم اقتصادی است.»^(۲) غرض! غرب هنگامی که خانواده و جمعیت زیاد و جوان را از دست داد، تازه به ارزش حقیقی این دو مزیت بزرگ پی برد و همین مساله سبب شد خانواده و جمعیت، به عنوان مولفه‌های اساسی قدرت در ادبیات اندیشمندان غربی نمود یابد. به‌عنوان نمونه‌هانتینگتون، اندیشمندمعاصر آمریکایی و نظریه‌پرداز جنگ تمدن‌ها با بیان اینکه فساد در خانواده شامل افزایش نرخ طلاق، فرزندان نامشروع، حاملگی در سن نوجوانی و خانواده‌های تک والد و… در غرب شدت افزایش داشته، می‌گوید: «پنده غرب و نوب آن بر جوامع دیگر تا حدود زیادی بستگی دارد به اینکه غرب در برخورد با این مشکلات که به برتری اخلاقی مسلمان‌ها و آسیایی‌ها منجر شده است، تا چه حد موفق باشد.»^(۳) وی همچنین درباره خطر جمعیت جوان کشورهای اسلامی سخن جالب و قابل تاملی دارد: «تمدن اسلامی ریشه در نوعی پویایی جمعیت زمانی را به یاد نمی‌آورد که سکس در تلویزیون از محرمات (تابو) محسوب می‌شد، زمانی را که با هم زندگی کردن به معنی ازدواج بود و زمانی که تقریبا همه بچه‌ها با هر دو والدینشان زندگی می‌کردند. واقعیت این است که این انقلاب یک بلا بوده است. پیش از آنکه در دهه ۱۹۵۰ آداب و رسوم جنسی آمریکایان ولنگار شود، تنها ۴ بیماری مقاربتی در ایالات متحده گزارش می‌شد. امروز بیش از ۲۴ گونه بیماری مقاربتی در آمریکا وجود دارد.»^(۴)

– «سالانه ۱۹ میلیون مورد جدید از ابتلا به بیماری‌های مقاربتی در آمریکا ثبت می‌شود که سیستم بهداشت آمریکا باید برای درمان آن هزینه‌ای حدود ۱۷ میلیارد دلار را متحمل شود. اکنون به لطف انقلاب جنسی پیش از نیمی از کودکان آمریکایی که از مدارن زیر ۳۰ سال متولد می‌شوند، نامشروعند و تعداد نوزادانی که سالانه در آمریکا به واسطه عمل سقط جنین کشته می‌شوند، یک میلیون نفر است – که تقریبا برابر با کل تلفات ایالات متحده در تمام جنگ‌هایش در طول تاریخ چند صد ساله خود است – جالب اینکه ۸۶ درصد عمل‌های سقط جنین در آمریکا بی‌لبیل و صرفا به خاطر مصلحت‌جویی و راحت‌طلبی صورت می‌گیرد.»^(۵) بررسی‌ها نشان می‌دهد نرخ باروری در آمریکا که در سال ۱۹۵۸ به ۲۱/۷ فرزند رسیده بود، در سال ۱۹۷۶ به عدد ۱/۷۴ برسد، یعنی این فال اجتماعی، تعداد متوسط فرزند زنان را به کمتر از نصف تقلیل داد (این روند کاهش، همزمان با صدور انقلاب جنسی به اروپا، با تاخیری چند ساله در اروپا نیز تکرار شد و به عنوان مثال در فرانسه نرخ باروری کل از ۲/۹ در سال ۱۹۶۴ به ۱/۸ در سال ۱۹۷۸ رسید. در آلمان نرخ باروری از ۲/۵ تا ۱۹۶۷ به ۱/۱ در ۱۹۷۷ و در ایتالیا نرخ باروری از ۲/۷ در ۱۹۶۴ به ۱/۷ در ۱۹۸۰ نزول کرد).

بی‌شک نمی‌توان نقش بحران جمعیت را در وقوع رکود اقتصادی آمریکا نادیده گرفت. رکودی که به رونق اقتصادی پس از جنگ دوم جهانی در جهان سرمایه‌داری خاتمه داد و اساسا می‌رفت سرمایه‌داری را برای همیشه نابود کند. «لستر تارو» (Lester Carl Thurow) اقتصاددان برجسته آمریکایی در این باب می‌نویسد: «در دهه ۱۹۶۰ اقتصاد جهانی با کسر نرخ تورم، سالی ۵ درصد رشد می‌کرد. در دهه ۱۹۷۰ میزان رشد پایین آمد و به سالی ۳/۶ درصد رسید. در دهه ۱۹۸۰ باز هم رشد اقتصادی جهان سقوط کرد و به سالی ۲/۱ درصد رسید و در نیمه اول دهه ۱۹۹۰ رشد اقتصاد جهان فقط ۲ درصد بود. سرمایه‌داری در دهه ۲ دهه، ۶۰ درصد شتاب و نیروی حرکت خود را از دست داده است.»^(۶) در همان برهه تاریخی، جمعیت را نوعی سرمایه تلقی کرده‌اند که اگر کنترل شود به اقتصاد آسیب می‌زند. ۲ تن از این دانشمندان عبارتند از:

۱- کنت آرو (Kenneth Arrow): وی که اقتصاددانی آمریکایی و برنده نوبل اقتصاد در سال ۱۹۷۲ است، می‌گوید: «جمعیت شکلی از سرمایه است. با کنترل جمعیت، رشد اقتصادی کنترل و محدود می‌شود. برنامه‌ریز اقتصادی، باید اقتصاد را متناسب با جمعیت تنظیم کند، نه عکس آن.»^(۷)

۲- پول سامولسون (Paul Anthony Samuelson): وی نیز که آمریکایی و برنده نوبل اقتصاد در سال ۱۹۷۰ است، ضمن مقاله‌ای اثبات می‌کند: «بهترین عامل تحرک و تکامل اقتصاد، نرخ باروری انسانی است.»^(۸) چندی پیش روزنامه گاردین ضمن یادداشت

چرا غرب برای جهان نسخه تنظیم خانواده را پیچید؟

جنگ تمام‌عیار جمعیت

- حسین شفاهی

کردن تجارب مرگبار خود در عرصه بین‌المللی رفتند، تا مگر انقلاب جنسی را در جهان همه‌گیر کنند. اینجا بود که کلدیوازه حقوق زن برای کاهش جمعیت و بسط فساد در دنیا مورد تأکید مجامع متعددبین‌المللی قرار گرفت. زمانی کمیته کار و منابع انسانی سنای آمریکا اعلام کرده بود: «بین سال‌های ۱۹۸۱–۱۹۷۱، ایالت‌هایی که بیشترین بودجه را صرف وسایل تنظیم خانواده کرده بودند، بیشترین افزایش مولاید نامشروع و سقط جنین را داشتند.»^(۱) همین مساله که وسایل ممانعت از بارداری با القای فرهنگ تنظیم خانواده، منجر به افزایش آمار سقط جنین می‌شود، نمونه‌ای از تجارب آمریکایی بود که در ایران نیز پیاده شد. متأسفانه فرهنگ تنظیم خانواده از طریق کم‌ارزش نشان دادن وجود نوزاد، مانع زنن به خودخواهی‌های افراد و همچنین القای بی‌بندوباری، منجر به ترویج جنایت بزرگ سقط جنین در کشور ما شد تا جایی که در فاصله سال‌های ۱۳۷۷ تا ۱۳۹۲ با وجود آنکه پوشش وسایل ممانعت از بارداری در کشور بیشتر شد، آمار سقط غیرقانونی قریب به ۳ برابر شد!

– سازمان ملل به عوارض ناشی از رشد بیش از حد جمعیت پرداخت (۱۹۷۳)، همجنس‌بازی از لیست بیماری‌های روانی خارج شد (۱۹۷۳)، پروژه مطالعاتی شورای امنیت ملی ایالات متحده با مدیریت هنری کیسینجر (NSM۲۰۰) شد جمعیت قاره آفریقا و کشورهای در حال توسعه را بر خلاف امنیت ملی آمریکا عنوان کرد (۱۹۷۴)، نخستین اجلاس کمیسوین جمعیت برگزار شد (۱۹۷۴)، با حمایت بنیاد راکفلر، در زمینه مشکلات افزایش جمعیت، کار گسترده رسانه‌ای صورت گرفت (۱۹۷۴)، نخستین کنفرانس جهانی جمعیت در بخارست برگزار شد (۱۹۷۴)، کمیسوین مقام زن تدوین پیش‌نویس کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان را آغاز کرد (۱۹۷۴)، تنظیم خانواده از موضوعات محوری کمیسوین مقام زن شد و سال ۱۹۷۵ به عنوان سال جهانی زنان نامگذاری شد. غرب برای کاستن از قدرت روزافزون جمهوری اسلامی، سالیان درازی است سعی در تدارک انقلاب جنسی برای ایرانیان دارد و در این راستا جنگی تمام‌عیار علیه خانواده و جمعیت جوان را رهبری می‌کند. افشین شاهی – مدیر مرکز مطالعات اسلام سیاسی در دانشگاه فردوسی آنجلس – در مقاله‌ای که در مجله تحلیلی «سیاست خارجی» (Foreign Policy) منتشر کرد، نوشت: «کاهش میزان زاد و ولد در ایران، نشان‌دهنده پذیرش همگانی وسایل پیشگیری از بارداری و سایر اشکال تنظیم خانواده و همچنین زوال نقش سنتی خانواده است. براساس آمارهای رسمی، ۴۰ درصد بزرگسالانی که به سن ازدواج رسیده‌اند، اکنون مجرد هستند و همزمان آمار طلاق سر به فلک کشیده و از ۵۰۰۰۰ مورد طلاق ثبت‌شده در سال ۲۰۰۰ به ۱۵۰۰۰۰ مورد در سال ۲۰۱۰ رسیده؛ یعنی ۳ برابر رشد داشته است.» وی در نهایت براساس این داده‌ها ادعا می‌کند: «انقلاب جنسی ایران، رقم حکومت مذهبی را گرفته و آن را از تاب و توان انداخته است.»^(۲) اما به واسطه مجموعه تحلیل صورت گرفته، می‌توان به دو امر مهم پرداخت:

نخست اینکه به راحتی می‌توان خیلی‌ای از وقایع گذشته و حال را تحلیل کرد و به سوال‌های بسیاری می‌آورد که در سال ۲۰۰۰ کلیسای کاتولیک رومی را در این کشور، نیروی مسلط بر حکومت‌های شهری و ایالتی سازد. در فرانسه، سوئیس و آلمان نیز جریان مشابهی در کار است و به احیای مذهب کاتولیک کمک می‌کند. شاید طولی نکشد که سرزمین‌های ولتر و کالون و لوتر، دوباره به آغل گوسفندان پاپ تبدیل شودا سازمان و انضباط و اخلاقیات و ایمان و باروری در این کاتولیک‌ها هم ممکن است سرانجام بر اصلاح دینی پروتستان‌ها و روشنفکری فرانسه خط بطلان بکشد.» در نهایت اندیشمندان غربی اعم از اقتصاددان‌ها، سیاست‌خوندها و سیاستمداران، به این نتیجه رسیدند که غرب برای حفظ هیمنه جهانی خود و فائق آمدن بر سلسله بحران‌هایی که پس از انقلاب جنسی رخ داده بود، دو راه بیشتر ندارد. نخست بازگشت به سبک زندگی خانواده‌محور که با توجه به عمق تغییرات صورت‌گرفته در غرب، محال می‌نمود و گزینه دیگر که اجرایی‌تر بود، ترفندی بود به نام انتقال بحران. به بیان ساده غرب اینگونه استدلال کرد که «ما خانواده و جمعیت را به‌عنوان ۲ مولفه اساسی قدرت از دست دادیم. راهی هم برای بازگشت به زندگی خانواده‌محور نداریم. پس چکار کنیم؟» خب!

بهرتر است این دو مولفه قدرت را در حوزه‌های سیاسی رقیب از بین ببریم، چرا که وقتی جمعیت تمام دنیا پیر شود و خانواده در سرتاسر گیتی فروپاشد، دیگر مزیت‌هایی چون جمعیت جوان و خانواده مستحکم وجود نخواهد داشت که ما نگران آن باشیم.» جمعیت‌داران و اندیشمندان غربی که زمانی برای به یوغ کشیدن زنان جامعه و اخلاقیات و کثرت‌ممدت خود، طرح نابودی خانواده در آمریکا را ریخته بودند، با مشاهده عواقب سوء این ندانم‌کاری، به دنبال پیاده

خانواده در ایران است؟ وقوع انقلاب جنسی در ایران چه خبری برای غرب دارد که هر از گاهی، مطرح‌ترین رسانه‌های غربی با این آرزو سخن می‌رانند؟ و… بی‌شک آنان که از ارائه آموزش جنسی در مدارس به پهنه مبارزه با ایندز سخن می‌گویند، کسانی که درباره روابط نامشروع آمارهای عجیب و غریب داده، سیاهنمایی کرده، به عادی‌سازی این امور می‌پردازند (برای نمونه به گزارش ۱۹ خرداد ۹۳ مرکز پژوهش‌های مجلس مراجعه کنید)، کسانی که افکار منحن فمینیستی را ترویج می‌کنند و در قالب ترویج برابری جنسیتی به تخریب و تخفیف نقش والای مادری و همسرری می‌پردازند، آنان که لزوم ازدواج جوانان در سنین پایین را نفی می‌کنند، همه و همه، خواسته ناخواسته به غرب کمک می‌رسانند تا خانواده ایرانی و جمعیت جوان کشورمان را نابود کند. البته براساس تحلیل فوق، علت خیلی‌ای از امور و وقایع را نیز نمی‌توان متوجه شد. از جمله این‌که:

چرا نهادهای امنیتی کشور اجازه می‌دهند سمینار «پویایی جمعیت در کشورهای مسلمان» با حمایت صندوق جمعیت سازمان ملل و سفارت سوئیس، در تهران، یزد و شیراز برگزار شود؟

چه کسانی و به چه حقی در زمینه کنترل جمعیت در ایران، تعهد بین‌المللی داده‌اند که اکنون غوغا بین‌الملل مدعی آن باشد؟ چرا نهادهای امنیتی کشور می‌گذارند رئیس فدراسیون بین‌المللی تنظیم خانواده (Planned Parenthood) که از مروجان جنایت سقط جنین و روابط نامشروع در دنیاست به ایران بیاید، به سخنرانی بپردازد؟

چرا پس از گذشت بیش از ۳ سال از نخستین تذکرات رهبر حکیم انقلاب اسلامی درباره بحران جمعیت، مجلس شورای اسلامی قانونی در راستای افزایش نرخ باروری تصویب نکرده و حتی قانون خسارت‌زای تنظیم خانواده (مصوب ۱۳۷۲) را نیز به صورت کامل لغو نکرده است؟ چرا مجلس شورای اسلامی به کسانی که معتقدند ایران در وضع عروسی جمعیتی است(۶۰۰ میلیارد تومان بودجه می‌دهد تا بحران جمعیت را برطرف کنند؟ چرا هنوز در وزارت بهداشت، برنامه‌های تحدید نسل بدون باروری سالم ادامه دارد؟ چرا در حالی که عیون وسایل ممانعت از بارداری در ایران بیشتر از کشورهای آلمان، اسپانیا، ایتالیا، ژاپن و استرالیااست، وزارت بهداشت بخشنامه کرده است تا سال ۱۳۹۶ هرساله دسترسی به خدمات تنظیم خانواده بیشتر شود؟ چرا وزارت بهداشت برای آموزش نیرهایش در جهت سیاست‌های جدید جمعیتی هیچگونه عزمی ندارد؟ چرا باید ایران، رکورددار بالاترین آمار سزارین در دنیا باشد؟

در نهایت یادآور می‌شویم جنگ علیه خانواده و جمعیت جوان، جنگ حقیقی این روزهای ماست که اگر همت و بصیرت مسؤولان و مردم نباشد، افق تاریکی را پیش‌روی میهن اسلامی ما قرار خواهد داد. این جنگ نیز عمارها، اوینی‌ها و قاسم سلیمانی‌های خودش را می‌خواهد. منتظر قدم مبارکشان می‌مانیم.

پی‌نوشت‌ها:

۱- درس‌های تاریخ، ویسل دورانت و آری‌یل دورانت، مترجم‌احمدطحایی

۲- چگونه انقلاب جنسی، آمریکا را برای همیشه تغییر داد؟؛ نانسی ال کوهن، شماره ۱۰۵ ، ماهنامه سیاست غرب، انتشارات مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

۳- مقاله از کینزی، سوو الین برادر (روزنامه‌نگار کاتولیک) سایت باشگاه‌اندیشه

http://www.crisismagazine.com/2012/kinseys-secret-the-phony-sexual-of-the-sexual-revolution

۴- اثرات انقلاب جنسی بر زنان آمریکا+ اسناد، مایکل اسایدر،مشرق‌نیوز

http://www.infowars.com/25-signs-american-women-are-being-destroyed-by-the-sexual-revolution-and-our-promiscuous-culture

۵- لستر تارو، آینده سرمایه‌داری، مترجم: عزیز کیاوند ۶- محمودی، محمدجواد؛ احراری، مهدی؛ درآمدی بر اقتصاد جمعیت

۷- صالحی، نورالله، یادداشت تأثیر جمعیت بر اقتصاد

۸- http://www.theguardian.com/money/2014/dec/10/why-arent-there-more-babies-us-fertility-rate-declines-economists-baffled

۹- هانتینگتون، برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم جهانی

۱۰- هانتینگتون، تمدن اسلامی و چین، ۲ چالش بی‌ش روی تمدن غرب

۱۱- نظریه بر رخورد تمدن‌ها (هانتینگتون و منقدانش)، مترجم:مجتبی‌امیری

۱۲- ویلیام گاردنر، جنگ علیه خانواده http://foreignpolicy.com/2013/05/29/erotic-republic

تقریب تاریخ

ولادت امام محمدتقی

جوادالائمه(ع) (۱۹۵ ق)

حضرت امام محمدتقی(ع) امام نهم، در مدینه منوره به دنیا آمد. روز تولد آن حضرت را ۱۵ و ۱۹ رمضان نیز گفته‌اند. ابوجعفر، کنیه و جواد، تقی، قانع، مرتضی و نجیب از القاب آن امام هستند. نام مادر امام را سبیکه گفته‌اند. آن حضرت در ۸سالگی و در زمان مأمون به امامت رسید و در عصر معتصم عباسی در ۲۵ سالگی شهید شد. فرزندان امام جواد(ع) از ۴۱ زن ذکر کرده‌اند. آن امام بزرگوار، از محبوبیت فوق‌العادی در میان مردم برخوردار بود. آن حضرت به واسطه بخشندگی زیادی که داشت به جواد به معنای بخشنده مشهور شد. خانه امام جواد(ع) پناهگاه نیازمندیانی بود که از هر سو ناامید شده و به مساعدت امام چشم دوخته بودند. در دوران امام‌جواد(ع) حوزه نفوذ اسلام، پهنه گسترده‌ای را شامل می‌شد.این امر زمینه را برای انتقال و نشر آرای مختلف فراهم آورد و باب مباحثه و گفت‌وگو بین اندیشمندان مسلمان و غیرمسلمان را باز کرد. در این میان، آن امام به عنوان یادگار پیامبر اسلام(ص)، از هر فرصتی بهره می‌برد تا مردم را با علوم و معارف والای اسلامی آشنا و از نفوذ اندیشه‌های غیرالهی جلوگیری کند.

شکست آلمان نازی از متفقین در جنگ دوم جهانی (۱۹۴۵م)



نیمه دوم جنگ دوم جهانی توأم با شکست و عقب‌نشینی برای ارتش آلمان بود. در سال ۱۹۴۴م قسمت اعظم منطقه بالکان از وجود آلمان‌ها پاک و سپس لهستان و اتریش نیز از اشغال نازی‌ها خارج شد. آلمان‌ها از طرف غرب نیز مجبور به عقب‌نشینی از فرانسه، بلژیک و هلند شدند تا اینکه در جریان حمله متفقین در فوریه ۱۹۴۵م، خطوط دفاعی آلمان شکافته شد. در ماه مارس همان سال متفقین از رود راین گذشته و در بیست و چهارم آوریل نیز روس‌ها از شرق وارد برلین پایتخت آلمان شدند. همچنین در پی پیروزی متفقین در ایتالیا، حدود یک میلیون سرباز آلمانی مستقر در این کشور، خود را تسلیم متفقین کردند. این شکست بزرگ در حالی که برلین زیر آتش نیروهای شوروی قرار داشت، بیشتر از پیروزی در جنگ کاملاً ناامید کرد و در نهایت، آلمان نازی را به پذیرش شکست مجبور کرد.

مرگ «آلفرد هیچکاک» کارگردان مشهور قرن بیستم (۱۹۸۰م)



آلفرد هیچکاک، کارگردان معروف سینما در ۱۳ اگوست ۱۸۹۹م در خانواده‌ای یهودی در شهر لندن به دنیا آمد. وی تحصیلات خود را در یک مدرسه مذهبی گذراند و سپس در رشته مکانیک و برق به ادامه تحصیل پرداخت. در این هنگام بر اثر علاقه فراوانی که به کارگردانی و تهیه فیلم‌های جنایی داشت، دوره کلاس کارگردانی را پشت سر گذاشت و چند فیلم در انگلستان ساخت. وی در سال ۱۹۳۹ به آمریکا رفت و به ساخت فیلم مشغول شد. هیچکاک طی اقامت ۴۰ ساله در آمریکا، فیلم‌هایی ساخت که شهرت جهانی یافت و او را به عنوان کارگردانی موفق، معرفی کرد. خاصیت ذاتی سینمای وی آن است که بیننده را مجذوب کند. فیلم‌های هیچکاک به ندرت غیرمنطقی است. هیچکاک یگانه فیلمسازنی است که می‌تواند افکار یک یا چند شخصیت اثر خویش را بدون توسل به گفت‌وگو، به تصویر برگرداند و به تماشاگر نشان بدهد. از این رو، می‌توان او را یک فیلمساز واقع‌گرا دانست. هیچ فیلمساز دیگری به جز هیچکاک نمی‌تواند حقیقت انسانی را آن‌طور که باید، بازگو کند. هیچکاک کارگردانی است که آثارش به خاطر روشنی و سادگی، در سراسر جهان، بیش از کارهای هر فیلمساز دیگری، در دسترس درک و بهره تماشاگر قرار دارد. او در عین حال، کارگردانی است که در ساختن فیلم از ظرفیت‌ترین و نهفته‌ترین روابط بین انسان‌ها، نظیر ندارد. این کارگردان معروف فیلم‌های جنایی و دلهره‌آور، در آمریکا توانست محبوبیت زایدالوصفی به دست آورد و فیلم‌های برجسته‌ای همچون ربه کا، سوءظن، طناب، طلسم شده، زندگی دوزخی و بیگانه‌ای در ترن را بسازد. آلفرد هیچکاک سرانجام در ۲۹ آوریل ۱۹۸۰م در ۸۱ سالگی درگذشت.